

دوره هفتم - سال اول
شماره ترتیب چاپ: ۶۸۲
شماره سابقه چاپ: —
تاریخ چاپ: ۱۳۸۳/۲/۱۷
شماره دفتر ثبت: ۳۴۸

اظهارنظر کارشناسی درباره لایحه:
«رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان»

دفاتر: مطالعات حقوقی
مطالعات فرهنگی

کد موضوعی: ۲۰۰
شماره مسلسل: ۷۳۵۳
خرداد ماه ۱۳۸۴



اظهار نظر کارشناسی درباره لایحه:
«رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان»

مقدمه

لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در واقع پاسخ به یکی از نیازهای دیرینه حقوق کیفری اطفال در ایران است. این لایحه با ترک تدابیر سنتی و روی آوردن به روش‌های نوین در ابعاد ماهوی و شکلی درصدد پر کردن خلأ قانونی موجود و روزآمد کردن رژیم جزایی ناظر به مدیریت رفتار اطفال و نوجوانان بزهکار است. از لحاظ سوابق قانونی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۷ در مواد ۲۱۹ تا ۲۳۱ در این باره گام‌های درخور توجهی برداشته بود. لایحه فعلی را در واقع باید گامی استوارتر و نظامی کامل‌تر از مقررات پیشین به شمار آورد.

دولت جمهوری اسلامی ایران با امضا و تصویب کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) خود را ملتزم به اتخاذ تدابیر تقنینی، قضایی و اجرایی در زمینه حقوق و حمایت‌های خاص کودکان نموده است. تنظیم و تقدیم لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان علاوه بر خاستگاه‌های ملی و تقاضاهای داخلی با تکیه بر این تعهد و التزام خارجی هم قابل تحلیل و توجیه است.



الف) نوآوری‌ها

به طور خلاصه محاسن و نوآوری‌های لایحه مورد بحث به شرح زیر قابل احصا است:

۱. تلاش برای همگرایی و همگامی حقوق کیفری اطفال در ایران با توصیه‌ها و الزامات ناشی از اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، مقررات حداقل استاندارد سازمان ملل برای دادرسی ویژه نوجوانان (قطعنامه ۲۰ نوامبر ۱۹۸۵ مجمع عمومی)، رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (قطعنامه ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰) و مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی (قطعنامه ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰).

۲. درجه‌بندی واکنش اجتماعی در برابر بزهکاری اطفال و متناسب ساختن این واکنش‌ها با میزان رشد عقلی اطفال و نوجوانان (مواد ۳۲ تا ۳۸).

۳. پیش‌بینی میانجیگری در رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان که نوعی قضاوتدایی از نظام کیفری اطفال است (ماده ۱۶).

۴. پیش‌بینی مشاوران متخصص در رشته‌های مرتبط با مسائل تربیتی اطفال و لزوم تشکیل پرونده شخصیت (ماده ۷) و الزام به اخذ نظر مشاوران در جرائم سنگین تبصره ماده (۱۰).

۵. پیش‌بینی دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان (ماده ۱۰).

۶. واگذاری تحقیقات مقدماتی به دادرسی و دادگاه و منع دخالت ضابطین دادگستری (ماده ۱۴).

۷. الزامی نمودن حضور وکیل در رسیدگی به جرائم سنگین (ماده ۱۴).

۸. اجازه دخالت ولی یا سرپرست قانونی کودک یا نوجوان در روند رسیدگی به منظور تقویت حس مسئولیت در آنان و حمایت و دفاع از کودک یا نوجوان متهم (مواد ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۷ و ۲۹).



۹. اعطای اختیار موقوف یا معلق نمودن تعقیب کودکان و نوجوانان در جرائم سبک تعزیری به داسرا و دادگاه که خود نوعی کیفرزدایی است (ماده ۱۵).
۱۰. قابل گذشت تلقی کردن کلیه جرائم مستوجب تعزیر یا مجازات‌های بازدارنده (ماده ۳۰).
۱۱. اجازه تعویق صدور رأی به دادگاه به‌عنوان ابتکاری تازه در حقوق ایران (ماده ۲۵).

۱۲. امکان تبدیل واکنش‌های تنبیهی (حبس در کانون و جزای نقدی) به واکنش‌های حرفه‌آموزی و اقامت در منزل (مواد ۳۳ و ۳۴).

۱۳. پیش‌بینی امکان سقوط مجازات با استناد به تردید با شبهه در رشد عقلی مرتکب و تبدیل مجازات‌های سنگین جرائم داخل در صلاحیت دادگاه استان به مجازات‌های تعزیری خفیف‌تر (ماده ۳۵). نکته قابل تذکر در این‌جا این است که شائبه مغایرت حکم ماده مورد اشاره با مقررات شرع انور را باید از ذهن زدود. به‌عنوان یک قاعده مسلم فقهی «بنای حدود بر تخفیف و احتیاط است» و «حدود شرعی با ادنی شبهه‌ای ساقط می‌شوند». این‌که دادگاه در رشد قوای عاقله و قدرت تمییز متهم تردید کند و با تکیه بر چنین تردیدی حکم به سقوط حد کند اولاً از مصادیق این قاعده عام است و ثانیاً مفتی به بعضی از مراجع عظام است. حضرت آیت‌ا... مکارم شیرازی در پاسخ به استفتای مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۴ چنین مرقوم فرموده‌اند:

«سن قانونی پسر و دختر از نظر اسلام همان است که در مسأله‌ها آمده است. منتها برای شمول قوانین جزایی نسبت به نوجوانان کم سن و سال لازم است حد نصاب رشد عقلی در زمینه مسائل جزایی احراز شود و اگر در مواردی مشکوک باشد حدود و قصاص مشمول قاعده درء است»^۱.

از قدمای فقها نیز چنان‌که در منابع فقهی مقرر است مرحوم علامه شرط اجرای

۱. گروه استفتای مرکز تحقیقات فقهی امام خمینی (ره)، استفتای مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۴.



قصاص را احراز رشد عقلی قاتل دانسته است.

۱۴. پیش‌بینی امکان تخفیف و تعلیق اجرای مجازات (مواد ۳۹ و ۴۰).
۱۵. عدم شمول احکام تکرار جرم بر جرائم ارتكابی اطفال (ماده ۳۸).
۱۶. عدم ثبت محکومیت اطفال در سجل کیفری (ماده ۴۷).
۱۷. پیش‌بینی تأسیس دایره مددکاری اجتماعی (مواد ۵۱ و ۵۲).
۱۸. پیش‌بینی تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان (ماده ۵۳).

ب) انتقادات و پیشنهادات

۱. رسالت لایحه مورد بحث چنان‌که در مقدمه آمد، سامان دادن به نظام حقوق کیفری اطفال و نوجوانان و به ویژه هماهنگی آن با هنجارهای بین‌المللی است. از جمله این هنجارها لزوم تعیین سن مسئولیت کیفری است. مطابق بند «الف» از شق سوم ماده (۴۰) کنوانسیون حقوق کودک دولت‌های عضو ملزم به تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری هستند. لایحه حاضر گرچه اطفال و نوجوانان زیر سن ۱۸ سال شمسی را از امتیازات و حمایت‌های ویژه برخوردار نموده و به خصوص در ماده (۲) «اطفال» را از مسئولیت کیفری مبرا معرفی کرده است اما تبصره ماده مرقوم با تکرار تجربه سال ۱۳۷۰ و بازنویسی حکم تبصره ماده (۴۹) قانون مجازات اسلامی ملاک طفولیت را نرسیدن به «حد بلوغ شرعی» اعلام کرده است. حد بلوغ شرعی اگر از ضوابط و امارات فقهی بگذریم همان است که در تبصره «۱» ماده (۱۲۱۰) قانون مدنی مقرر است؛ یعنی ۹ سال تمام قمری برای دختران و ۱۵ سال تمام شمسی برای پسران. وجود این تبصره نوعی نقض غرض است؛ هم با روح و رسالت لایحه منافات دارد و هم برخی مقررات و محاسن لایحه نظیر مقررات مواد (۳۲) تا (۳۸) را دچار تناقض کرده است. پیشنهاد می‌شود تبصره مورد بحث حذف شود به جای ن گفته شود: «اطفالی که به سن ۹ سال تمام شمسی نرسیده‌اند فاقد مسئولیت کیفری هستند».



افزون بر این در تبصره مورد اشاره بعد از اعلام مبرا بودن اطفال از مسئولیت کیفری مقرر شده که «تربیت آنان به نظر دادگاه به نحو مقرر در مواد آتی است» در هیچ کدام از مواد لایحه ترتیب خاصی برای تربیت اطفال زیر سن بلوغ مقرر نشده است، با حذف تبصره این اشکال هم خود به خود رفع خواهد شد. برای اینگونه اطفال هم البته می‌توان تدابیر تربیتی و آموزشی مقرر کرد.

۲. صدر ماده (۱۴) لایحه تحت شرایطی ضابطان دادگستری را از تعقیب و تحقیق جرائم اطفال و نوجوانان ممنوع اعلام کرده است اما تبصره ماده مورد اشاره که در جرائم مشهود به ضابطان اجازه مداخله داده مقرر داشته که: «لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل را نداشته ...» به منظور پیشگیری از سوء تفسیر پیشنهاد می‌شود عبارت مذکور بدین شرح تنظیم شود: «لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوانان را نداشته ...».

۳. به منظور تکمیل حمایت‌های ویژه قانونی از اطفال و نوجوانان بزهکار و با توجه به این‌که بخشی از اینگونه اطفال را دختران تشکیل می‌دهند پیشنهاد می‌شود که در ضمن حکم ماده (۹) ضرورت وجود یک دایار و یک بازپرس زن پیش‌بینی شود.

۴. سری بودن جلسات رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان یکی از استثنائات مهم و موجه اصل علنی بودن محاکمات کیفری است. با این حال ماده (۲۰) لایحه به رغم همه حزم و احتیاطی که به عمل آمده تلویحاً «حضور اشخاص دیگر» غیر از افراد مرتبط با فرایند رسیدگی را تجویز نموده است. به نظر می‌رسد که حذف این تجویز ضروری باشد.

۵. ماده (۲۱) لایحه مجازات افشای جریان رسیدگی و هویت و مشخصات متهم را به حکم ماده (۶۴۸) قانون مجازات اسلامی احاله داده است. این نحوه قانونگذاری در مقام عمل و اجرا ممکن است با اشکالاتی روبه‌رو گردد بنابراین پیشنهاد می‌گردد بدون تصریح و ارجاع به حکم قانونی خاصی مقرر شود: «متخلف به مجازات مقرر



برای افشای اسرار محکوم می‌شود».

۶. پیشنهاد می‌شود در قسمت دوم ماده (۲۴) لایحه مقرر شود. «در صورت عجز ولی یا سرپرست از تعیین و معرفی وکیل دادگاه وکیل تسخیری تعیین می‌کند».

۷. به منظور پیشگیری از سوء تفسیر و اجرای قانون پیشنهاد می‌شود در مواد (۳۲) و (۳۳) قید «در زمان ارتکاب جرم» بعد از عبارت «اطفال و نوجوانانی که سن آنان» الحاق شود.

۸. در تبصره «۳» ماده (۳۳) تبدیل حبس در کانون و جزای نقدی به اقامت در منزل تجویز شده است. حبس خانگی از جمله تدابیر تازه است ولی اجرای آن مستلزم توسل به شیوه‌های نوین کنترل و اجراست. استفاده از مچ‌بندهای الکترونیکی دارای گیرنده نصب شده در مرکز کنترل و اجرا که سیگنال‌های دال بر باز کردن یا خروج از منزل را دریافت و منعکس می‌کند مناسب‌ترین راه اجرای چنین مجازاتی است. یک نکته فراموش شده ضمانت اجرای تخلف از ماندن در منزل است. این ضمانت اجرا منطقاً باید رجعت به مجازات اصلی یعنی حبس و جزای نقدی باشد.

۹. حکم دو ماده (۱۷) و (۳۰) لایحه متناظرند. پیشنهاد می‌شود با الحاق قید «و مستوجب قصاص و حد قذف و سرقت» به صدر ماده (۳۰) ماده (۱۷) حذف گردد.

۱۰. بند «۱» ماده (۳۳) مدت انجام خدمات عمومی را یک سال پیش‌بینی کرده است ولی تبصره «۱» ماده مرقوم حداکثر مدت الزام به انجام خدمات عمومی را ۲۴۰ ساعت مقرر نموده است کیفیت تقسیم ۲۴۰ ساعت مذکور بر ایام سال با توجه به این‌که حداکثر ساعات ارائه خدمات عمومی برای شاغلین روزانه ۴ و برای غیرشاغلین ۸ ساعت مقرر شده معلوم نیست. پیشنهاد می‌شود ساعات مورد نظر با رعایت سقف ۴ و ۸ ساعت در روز برای شاغلین و غیرشاغلین به طور مسلسل و در ایام متوالی مورد حکم واقع شود.

۱۱. آرا و تصمیمات قضایی موضوع ماده (۳۳) لایحه ناظر به نوجوانان رده سنی ۱۵



تا ۱۸ سالگی است. از جمله این آراء، «نگهداری» در کانون اصلاح و تربیت است. به نظر می‌رسد در خصوص این طیف از نوجوانان بزهکار تعبیر «حبس در کانون اصلاح و تربیت» که صبغه کیفری روشن‌تری دارد مناسب‌تر باشد. بنابراین هر جا درباره این دسته از نوجوانان از تعبیر «نگهداری» استفاده شده تعبیر مذکور به «حبس» تبدیل شود.

۱۲. مطابق ماده (۲۹) لایحه، شاکی خصوصی می‌تواند از حکم راجع به ضرر و زیان و برائت و قرار منع یا موقوفی تعقیب تجدیدنظرخواهی کند. در نظام فعلی آیین دادرسی کیفری کشور با توجه به آنچه که در ماده (۹) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری آمده میان شاکی و مدعی خصوصی تفاوتی وجود ندارد. در حالی که منطقی‌میان این دو تمایزی هست. مدعی خصوصی چنان‌که در مقررات سابق آمده بود اصطلاحاً کسی است که به منظور مطالبه زیان‌های ناشی از جرم به دعوی کیفری ملحق می‌شود دعوی او در واقع یک دعوی تبعی است از همین رو مقررات سابق به وی اجازه داده بودند دعوی خود را در محاکم حقوقی مطرح نماید. نیز از همین رو قانون تشکیل اطفال بزهکار در ماده (۱۴) مقرر داشته بود که در صورت معاونت یا مشارکت افراد بزرگسال با اطفال در ارتکاب جرم مدعی خصوصی صرفاً در دادگاه مدنی می‌تواند مطالبه ضرر و زیان نماید.

نکته مهم این است که چون منطق آیین رسیدگی به بزهکاری اطفال منطق حزم و احتیاط و تحفظ و مشارکت حداقلی افراد در فرایند رسیدگی است پیشنهاد می‌شود حتی‌الامکان موارد حضور مدعی خصوصی و دادن عنان ابتکار دعوا به دست وی محدود شود. در همین ماده (۲۹) با تفکیک میان مدعی خصوصی و شاکی می‌توان حق تجدیدنظرخواهی از حکم برائت یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب را از مدعی خصوصی که صرفاً خواهان جبران زیان‌های وارد شده است سلب نمود.



۱۳. ماده (۵۵) لایحه «کلیه قوانین مغایر» را ملغی اعلام کرده است. این طریق اعلام نسخ مقررات سابق مورد انتقاد است. نسخ صریح قانون مستلزم ذکر عناوین قوانین یا مواد و مقررات موردنظر است. نسخ ضمنی هم خود به خود از عدم امکان جمع مقررات سابق و لاحق لازم می‌آید. بنابراین پیشنهاد می‌شود ماده مذکور به شرح زیر تنظیم شود:

«از تاریخ اجرای این قانون مواد (۴۹)، (۱۱۲) و (۱۱۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و مواد (۲۱۹) تا (۲۳۱) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ منسوخ می‌گردد».

ج) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان متضمن مقرراتی تازه و دارای محاسن و موجهاتی قابل دفاع است. تصویب این لایحه نقشی بسزا در سامان‌دهی نظام حقوق کیفری اطفال و سوق دادن آن در مسیر معیارهای علمی ایفا خواهد کرد. ضرورت بلکه فوریت تصویب لایحه بر اهل فن پوشیده نیست. در عین حال برخی ملاحظات انتقادی و پیشنهادهای اصلاحی هم در این باره قابل طرح است. اهم این ملاحظات همراه با پیشنهادهای لازم در قسمت «ب» گزارش مطرح شده است. توجه به نکات مذکور در تکمیل و تلطیف مقررات لایحه و هموار نمودن مسیر نیل به مقاصد تدوین‌کنندگان آن مؤثر خواهد بود.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۷۳۵۳

عنوان گزارش: اظهارنظر کارشناسی درباره لایحه: «رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان»

نام دفاتر: مطالعات حقوقی - مطالعات فرهنگی

تهیه و تدوین: جلیل امیدوی

ناظر علمی: دکتر محمدعلی اردبیلی

متقاضی: کمیسیون قضایی و حقوقی

ویراستار: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها:

۱. کودک (Child)

۲. دادگاه اطفال (Juvenile Court)

۳. آیین دادرسی (Procedure)

۴. بزهکاری (Criminality)

منابع و مآخذ تهیه گزارش: —